



## بررسی تربیت در اصول اعتقادی

شهناز فرزی<sup>۱</sup>، مهدی فاطمی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>- کارشناس علوم سیاسی، آموزش و پرورش استان مازندران  
<sup>۲</sup>- دانشجویی دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد دهقان

مجله علمی تخصصی علوم انسانی (سال دوم)

شماره ۲۴ / جلد ۱ / خرداد ۱۳۹۵ / ص ۲۶۳-۲۶۳

**چکیده:** این مقاله به موضوع بررسی تربیت در اصول اعتقادی اختصاص دارد، از آن جایی که عنصر تربیت به عنوان مهمترین مقوله حیات فردی و اجتماعی عصر کنونی محسوب می شود، این پژوهش با هدف بررسی اصول اعتقادی تربیتی آن پرداخته و با تکیه بر تفاسیر متعدد آیات و منابع تخصصی نگارش یافته است. این مقاله با نتیجه گیری، ارائه پیشنهادها و راهکارها و همچنین کتابنامه به پایان می رسد.

**کلید واژه ها:** قرآن، اصول اعتقادی، تربیت

### مفهوم شناسی

#### تربیت در لغت

لغت شناسان و فرهنگ نویسان در معنای تربیت، معانی مختلفی را ذکر کرده اند: از جمله: «رَبَوٌ» به معنای زیادی و فزونی و رشد و برآمدن است.<sup>۳</sup>

راغب اصفهانی (متوفای ۵۰۲ قمری) در این باره می نویسد: «رَبَوٌ» به معنای زیاد شدن و بالا آمدن، رَبَّی الْوَلَدُ، یعنی کودک را پرورش داد و بزرگ کرد.<sup>۴</sup>

«رب» به معنای مالک، خالق، صاحب، مدبر، مربی، قیم، سرور منعم است و نیز اصلاح کننده هر چیزی را، «رب» گویند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه مازندران

<sup>۲</sup>- دانشجویی دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد دهقان

<sup>۳</sup>- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ق، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ج ۱، ص ۱۲۶

<sup>۴</sup>- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، ترجمه مفردات راغب، مترجم: غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی، ج ۲، ص ۳۹



راغب اصفهانی نیز در بیان معنای «ربّ» آورده است:

«ربّ» در اصل به معنای تربیت و به کمال رساندن است. این واژه به طور مطلق، در مورد خدا به کار می رود، اما اگر به چیزی اضافه شود، در مورد غیر خدا نیز صدق می کند.<sup>۲</sup> واژه تربیت عینا در قرآن ذکر نشده است، اما بنا به شمارش معجم المفهرس، مشتقات مختلف آن ۹۸۰ بار در قرآن به کار رفته است.<sup>۳</sup> صاحب مجمع البحرین در مورد واژه «ربّ» آورده است: «ربّ» از ریشه «ربب» به معنی مالک و مدبر و اقرار به این که فقط خدا مالک است و لاغیر.<sup>۴</sup> می توان از مجموع معانی ذکر شده به دست آورد، که اکثر لغت شناسان، تربیت را به معنای پرورش دادن آورده اند که معنای حقیقی آن رشد دادن و پروراندن و به کمال رساندن بوده و معانی دیگر از مصادیق این معنای اصلی می باشند.

### تربیت در اصطلاح

در اصطلاح برای تربیت تعریف های متعددی، ارائه شده است که در عین تعدد، همگی تربیت را فرآیندی می دانند که با استفاده از استعداد های فرد تغییراتی در او می آفریند. شهید مطهری تربیت را چنین تعریف می کند: و تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعداد های درونی را که بالقوه در یک شی موجود است به فعلیت در آوردن و پروراندن، و لهذا تربیت فقط در مورد جانداران بعضی از گیاه و حیوان و انسان ها صادق است. در غیر جاندار معنی مجازی دارد.<sup>۵</sup>

تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضات برای آنکه استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود.<sup>۶</sup> در تعریف جامع تر، تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند، استعداد های نهفته اش را در تمام ابعاد وجود و به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت نماید.<sup>۷</sup> امیل دورکیم درباره تربیت گفته است: «در تربیت هر آن چه را که ما انجام می دهیم با دیگران برای ما انجام می دهند، تا ما را به کمال طبیعت مان نزدیک کنند، شامل (مربی) به منظور اثر گذاری بر شناخت ما، اعتقادات، عواطف و رفتارهای انسان یا انسان های دیگر (مربی با مربیان)، بر اساس برنامه ای سنجیده.<sup>۹</sup>

۱- ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد اسلام محمد هارون، مصر: مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲

۲- عبدالباقی، محمد فوائد، ۱۳۸۴، معجم المفهرس الفاظ القرآن، قم: ذوالقری، ج ۳

۳- مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۷۲

۴- طریحی، فخر الدین، محمد، ۱۳۸۶، مجمع البحرین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲، ص ۶۴

۵- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، ص ۴۳

۶- ماه مهر پرور، ص ۴۳-۴۴

۷- امینی، ابراهیم، ۱۳۷۲، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان

۸- دورکیم، امیل، ۱۳۹۱، تربیت و جامعه شناسی، ترجمه فریدون سرمد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۴۰

۹- داوودی، محمد، ۱۳۸۴، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، تربیت دینی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۷، ص ۲



## مراد از تربیت در اسلام

به رغم دافعه محدودی که کلمه تربیت از (رب و) داشت، ماده «رب ب» و استعمال و مشتقات آن در ارتباط با انسان، فراخنای وسیعی از آیات قرآن را در بر گرفته است و چنین به نظر می آید که در بررسی آن چه به عنوان تربیت اسلامی گفته شود، باید این طریق را پیمود. «رب ب» ( که در صورت مضاعف، ربّ می شود) دو عنصر معنایی دارد و ؛ مالکیت و تدبیر، پس رب به معنای مالک مدبّر است. کلمه ربّ در حالت اضافه به غیر خدا نیز اطلاق می شود. (ربّ الدار: صاحب خانه) اما هر گاه به طور مطلق به کار رود (یعنی به صورت ربّ) اختصاص به خدا خواهد داشت!<sup>۱</sup>

راغب اصفهانی می نویسد: ربّ در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام و کمال خود برسد. آن چه در تربیت روی می دهد همین مفهوم است و البته نقش ایجاد در تربیت از آن رب العالمین است و جز او، همه نقش اعدادی دارند. بنابراین، تربیت رفع موانع و ایجاد مقتضیات یعنی، اعداد است تا استعداد های انسان از قوه به فعل در آید و شکوفا شود، و چون تربیت اسلامی مقصد و مقصود کمال مطلق است می توانیم تربیت را چنین تعریف کنیم: «تربیت عبارت از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آن که استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود.»<sup>۲</sup>

انسان موجودی است با استعداد های شگفت و گران قدر، چنان که از رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم روایت شده است که فرمود: «الناس معادن كمعان الذهب و الفضة»: [مردم چون معادن طلا و نقره اند.] با این تعبیر باید آن چه را که مانع شکوفایی استعداد های انسان است رفع کرد و زمینه های مساعد را فراهم کرد تا استعداد های انسان به فعلیت رسد و انسان متصف به صفات و کمالات الهی شود، و این تحول با اهتمام و کوشش خود انسان مسیر می شود، پس ، تربیت با رفع موانع و ایجاد مقتضیات شکل می گیرد.

## هدف از تربیت

تربیت مانند هر فعالیت ارادی دیگر انسان، هدفی را دنبال می کند، هدفداری تعلیم و تربیت از هدفداری نظام آفرینش و نوع جهان بینی و انسان شناسی و مبانی پذیرفته شده یک مکتب تربیتی جدا نیست. یعنی هر مکتبی با توجه به مبانی اعتقادی خود از تربیت انسان هدف خاصی را دنبال می کند. بر اساس نگرشی که اسلام به عالم آفرینش و مبدا هستی دارد، مقصود از تربیت ساختن و خالص کردن انسان برای خداست که رمز سعادت و نوز و فلاح و جاودانگی او در این نکته نهفته است. هدف غایی که حقیقی بی نهایت و جامع تمام ارزشهاست از دید اسلام، همانا خداوند تعالی است. اوست که بی نهایت و کامل است و می تواند محور تمام افعال انسان قرار گیرد.<sup>۳</sup>

## فلسفه تربیت آدمی

آدمی از بدایع عالم خلقت بلکه ترین مخلوقات این عالم است. میزان تاخیر کمال آدمی سبب به وجودش، از هر موجودی دیگر بیش تر است. بسیاری از متفکران بدین نکته اشاره کرده اند که نوزاد آدمی از نوزاد هر حیوان

۱- باقری، خسرو، ۱۳۹۲، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، ج ۳۲، ص ۱، ص ۵۳-

۵۴

۲- المفردات فی غریب القرآن، ص

۳- اعرافی، علیرضا و همکاران، ۱۳۷۶، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها)

سمت) ج ۱، ص ۳۳-۳۴



دیگری زبون تر و دربرآوردن نیازهای خود ناتوان تر است. در همان حال، رشد وی هم کندتر است و مدت بیش تری طول می کشد. به راستی، اگر آدمی از ابتدا بزرگ سال آفریده می شد و قرار بود مثلاً از حدود شش ماهگی خود عهده دار اداره زندگی خویش باشد، راه هر گونه پیشرفتی بر نوع بشر بسته می شد. اما با وجود ناتوانی غیر منتظری که بدان اشاره شد، جوانه های رشد نیافته بی شمار در سرشت آدمی زاده نهفته است که باید در جریان کودکی و نوجوانی موجبات رشد آنها با توسعه هر یک از استعدادهای طبیعی وی در ابعاد بایسته اش فراهم شود و مراقبت کامل به عمل آید تا امکانات بالقوه اش متناسب با نیازها و با توجه به هدف غائی وجودش فعلیت یابد و در پرتو آن نتواند حتی الامکان سرنوشت خویش را تحقق بخشید. برای رسیدن بشر به مقصد هستی خویش نه فقط فعالیت چند نفر، بلکه هم کاری همه افراد بشر ضرورت دارد. هر نسل بعد، به نوبه خود چیزی بر آن بیفزاید. تادیب، کوششی در جهت تشکیل شخصیت است، شخصیت های ضعیف که به حد ادراک ارزش های والای انسانی و فرهنگی نرسیده اند و از اراده لازم برای اختیار ممدوح بر مذموم بهره مند نشده اند از لحاظ کمیت و کیفیت معلومات و مهارتها به جایی نتواند رسید. برخی طبیعت گرایان معتقدند: هدف آموزش و پرورش آماده ساختن فرد برای پیروزی در تنازع بقاست و در یک اجتماع کمونیستی هدف نهایی تربیت فراهم کردن امکان های رشد و گسترش دولت کونیستی است.

### اصول اعتقادی

واژه عقیده در جایی به کار می رود که شخص به باوری که نسبت به چیزی پیدا کرد، احساس وابستگی کند. به همین جهت عقیده نوعی باور است حرکت مصلحانه انبیاء الهی نیز در همین مسیر است. آنان در اولین گام برای سامان دادن به رفتارهای انسان تلاش کردند که تلقی او را از جهان هستی و خویشتن خود دگرگون کند تا به دنبال این تحول، رفتار انسان آسانتر و با رغبتی بیشتر تغییر یابد.<sup>۱</sup> اعتقادات گزاره هایی هستند که وضعیت کلی جهان و وضعیت انسان را در جهان مشخص می کند و هر مسلمانی باید نسبت به آن گزاره ها شناخت کافی داشته باشد.<sup>۲</sup>

اعتقاد عامل حرکت آدمی است و رفتار آدمی هم از افکار و عقاید او تاثیر می پذیرد. در اسلام به عقیده جایگاه خاص داده شده است. معارف اسلام، عمدتاً در سه مقوله ی کلی قرار می گیرند: اعتقادات، اخلاقیات و احکام.<sup>۳</sup> اعتقادات، پایه و اساس اخلاقیات و احکام را تشکیل می دهد، چرا که اگر فرد به اصول دین معتقد نباشد، از او هیچ انتظاری در پایبندی به احکام و دستورات اخلاقی اسلام، نمی رود به همین خاطر است که اصول اعتقادی، مقدم بر اصول اخلاق است. اعتقادات، همان اصول عقاید دینی است که یک دیندار باید به آنها اعتقاد داشته باشد. این عقاید

۱- شکوهی، غلامحسین، ۱۳۷۰، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ج ۱، ص ۱۸-۲۶ با

تخلیص

۲- محمد قاسمی، حمید، ۱۳۸۹، اصول تربیتی در داستان های قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، (شرکت چاپ و نشر بین المللی،

ج ۱، ص ۷

۳- داوودی، محمد، بی تا، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، زیر نظر به علیرضا، تهران: نشر حوزه دانشگاهها تربیت دینی، ج ۷،

ج ۲، ص ۲۷

۴- مطهری، مرتضی، بی تا، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، قم: انتشارات صدرا، ص ۵۴



دینی، جهان بینی انسان دیندار را تشکیل می دهد که مبنای زندگی عملی او قرار می گیرد. که ملاک دینداری انسان محسوب می شود.<sup>۱</sup>

### اصل خدا محوری

جهان بینی الهی بر پایه خدا محوری بنا شده و انسان در مقابل خدا محتاج و نیازمند است و بدون لطف خدا نمی تواند کاری انجام دهد و اصالت با خداست. لذا مربی باید در امر تربیت همواره به این اصل توجه داشته باشد و به دیگران انتقال دهد تا او هم، محور همه چیز را خدا بداند و کارهایش را بر اساس آن تنظیم کند و انسانی به تمام معنا عبد و مطیع خدا تربیت شود. هدف، رشد دادن انسان در جهت حرکت به سوی الله است. هدف، خالص شدن برای خداست.<sup>۲</sup>

هدف غایی تربیت الهی نیز ایمان به خدا و قرب به او و جلب رضایت الهی و حرکت در راه رسیدن به آن سرچشمه کمالات و خوبی ها و در یک کلام خداگونه شدن است.<sup>۳</sup>

### آثار اعتقاد به خدا

#### آرامش روحی

زندگی بشر همواره با مصائب و مشکلات گوناگون روبرو بوده و خواهد بود در این میان گروهی با تصور مشکلات و مصائب و آینده ی مبهم و رنج آور، در اضطراب و دلهره و کشمکش های روانی فرو می روند و در دام کم خوابی، ضعف اعصاب، گوشه گیری، مواد مخدر، تزلزل افکار، ناتوانی در تصمیم گیری و مانند آن گرفتار می آیند. و گروهی نیز به بی اعتنایی و بی مسئولیتی روی می آورند. اما زندگی در پرتو ایمان، انسان را از تنگناهای می رساند و آرامش روحی و اطمینان خاطر را برای او به ارمغان می آورد، چرا که انسان الهی به قدرتی ما فوق همه ی قدرت ها متکی است و در حیات خویش مبدا متعالی تکیه می کند و تنها امید او در زندگی خداست.<sup>۴</sup>

سید قطب می گوید: آرامش که انسان در پرتو ایمان به خدا به دست می آورد، طول و عرض و عمق زندگی انسان را وسعت می بخشد و محرومیت از ایمان عامل رنج و بدبختی اوست، که این نگون بختی تنها در فقر و محرومیت، مادی خلاصه نمی شود.<sup>۵</sup> در آیه ای از سوره یس می خوانیم: ﴿هُمْ وَأَرْوَاجُهُمْ فِي ظُلَالٍ عَلَى الْأُرَائِكِ مُتَكَبِّرُونَ﴾<sup>۶</sup> آنها با همسرانشان در زیر سایه ها بر تختها تکیه می زنند.

در این آیه آنهایی که ایمان به خدا آوردند خداوند برای آنها بهشت میان و همراشان که در زندگی دنیا با آنان از نظر اندیشه و عقیده و عملکرد هماهنگ و همراه بودند، در روز رستاخیز در سایه ای دل انگیز و آرامش بخش و مصون از تابش سوزان خورشید صحرای محشر بر تختها تکیه می زنند و از سوزش گرما و سرما در امانند و در آن سایه بان های پر شکوه مورد رحمت و لطف خدا هستند و بعضی می گویند: در سایه ها و سایه بانهایی که آنان را

۱- سعید، مهر، محمد، بی تا، آموزش کلام اسلامی، بی جا: بی نا، ج ۲، ص ۹

۲- مهدوی، سعید، ۱۳۸۱، نگاهی به قصد و نکات تربیتی آن در قرآن، قم: موسسه بوستان کتاب انتشارات دفتر تبلیغات، ج ۱، ص ۱۱۲

۳- اصول تربیتی در داستان های قرآن، ص ۹

۴- همان، ص ۱۸

۵- سید قطب، ابراهیم شاذلی، ۱۳۸۱، تفسیر فی ضلال القرآن، ترجمه دکتر مصطفی خرم دل، بی جا، نشر، احسان، ج ۱، ص ۲۳

۶- (یس/۵۶)



از دید دیگران مصون و محفوظ نگاه می دارد، بر تخت ها و پشتی های مجلل و شاهانه در کمال آسایش و آرامش تکیه می زند. آنان در آنجا در آنجا همواره غرق در ناز و نعمت و آسایش و استراحت هستند.<sup>۱</sup> از ابی الجارود روایت می کند که امام باقر(ع) در تفسیر این آیه: فرمودند: کلمه (ارائک) تختهایی است که روی آن جمله ها می باشند.<sup>۲</sup>

### بصیرت و روشن بینی

چون انسان رو به سوی خدا کند، نوری از باطن بر نفس او می تابد و سرای دل او را تابناک می سازد، از این رو در تعالیم اسلامی از یاد خدا به عنوان « نور دلها» و « جلای قلوب» تعبیر شده است این نور معنوی دلها را زنده کرده و حیاتی نو می بخشد. توضیح اینکه از نظر اسلام حیات زیستی، زندگی حقیقی نیست بلکه زندگی حقیقی مستلزم تولید دیگر است که جز در سایه آشنایی با خدا و میل و گرایش به سوی او امکان پذیر نیست.<sup>۳</sup>

### استقامت در برابر تهمت ها

استقامت که از ماده قیام گرفته شده است از این نظر که انسان در حال قیام بر کار و تلاش خود تسلط بیشتری دارد استقامت که به معنی طلب قیام است، یعنی انسان در خود حالتی ایجاد کند که در او سستی راه نیابد.<sup>۴</sup>

### نهراسیدن از قدرت های اهریمنی

انسان با ایمان در پرتو ایمان راسخش به خدا و با اتکا و توکل بر او از هیچ کس و هیچ چیز نمی هراسد. اگر ترسی در او راه دارد. تنها از خداست که مبادا در ادای حق او کوتاهی کرده باشد یا بر خلق او تجاوزی روا داشته باشد. اما از دیگران و از قدرت ها و نیروهای اهریمنی وعده و وعده آنها هرگز ترسی به دل راه نمی دهد. چرا که او به مطمئن ترین دستگیرها و استوارترین پشتوانه ها تمسک بسته است.<sup>۵</sup> حدیثی از پیغمبر اکرم (ص) رسیده که فرمود که سه نفر صدیق داریم، مومن آل فرعون، و حبیب نجار که تعبیر به مومن آل یاسین فرموده و امیرالمومنین(ع) علی و این افضل آنها است.<sup>۶</sup>

### سربلندی در برابر امتحان

با توجه آیاتی که ایمان را داری مراتب معرفی کرده اند و یا روایاتی که برای ایمان مراتب مختلفی را تا ده درجه ذکر کرده اند، مانند روایتی که از امام صادق (علیه السلام) است که فرموده اند: «انَّ الايمان عشر درجات».<sup>۷</sup> معلوم می شود که عواملی بر ظهور مراتبی بعد از مراتب موجود در وجود انسان مومن منجر می شوند. حبیب نجار تا توانست پیامبران را یاری کرد اما مردم نادان بر سرش ریخته و قصد جاننش کردند. وقتی فهمید مرگ نزدیک

۱- ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۲، ص ۷۳

۲- بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۲۴؛ قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، محقق سید طیب موسوی جزیری، قم: دارالکتاب، ج ۴، ص ۱۵۴

۳- سادات، محمد علی، ۱۳۷۵، اخلاق اسلامی، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ج ۱۷، ص ۵۸

۴- مفردات القرآن، ص ۳۳۷

۵- اصول تربیتی در داستان های قرآن، ص ۵۶

۶- اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۵۹

۷- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی (ط اسلامی)، محقق، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد اخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه،

ج ۲، ص ۴۵



است، رو به رسولان کرد و گفت: ﴿إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ﴾<sup>۱</sup>: [من به پروردگارتان ایمان آوردم] اقرار] مرا بشنوید.]

یعنی اقرار مرا بشنوید و شاهد باشید که من هم مانند شما به پروردگار ایمان آوردم. اولین حقیقت را دریافته بود که همه ما هر لحظه تحت سرپرستی و پرورش خدا هستیم پس باید تنها او را عبادت کنیم و تا لحظه آخر بر اعتقادش استوار ماند.

حبیب نجار چون دید تقیه به صلاح بندگانش نیست، دین خود را ظاهر کرد و گفت: ﴿إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ﴾، خطاب به رسولان یا به اهل قریه است با اشاره به بطلان دین آنها و حق بودن دین خودش، یعنی من به پروردگار شما ایمان آوردم پس گوش کنید.<sup>۲</sup>

فَاسْمِعُونِ پس بشنوید کنایه از تحمل شهادت به حق، و تاکید آسمان است، چون از ظاهر سیاق بر می آید که جمله ﴿إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ﴾ را بعد از آن محاجه گفته، و در آن محاجه اعتراف به ایمان کرده و شهادت به حق داده بود. و منظورش از این تکرار این بود که با ایمان خود در حضور مردم قریه رسولان را تایید کرده باشد. یعنی از مفسرین گفته اند: خطاب در این جمله فَاسْمِعُونِ پس بشنوید به مردم قریه است، تا رسولان را تایید کرده باشد و معنایش این است که: من به خدا ایمان آوردم، پس ای اهل قریه این معنا را از من بشنوید، (و هر کاری می خواهید بکنید)، که من هیچ با کی از شما ندارم و یا معنایش این است که: ای اهل قریه، من به خدا ایمان آوردم. پس از من بشنوید و شما هم ایمان بیاورید.<sup>۳</sup>

### اتصاف به عالی ترین صفات اخلاقی و انسانی

تجربه ی تاریخ نشانگر آن است که هر جا ایمان واقعی تجلی کرده عالی ترین جلوه های اخلاقی و انسانی را با خود به ارمغان آورده است. عمیق ترین عواطف ملکوتی و پر هیجان ترین شور و شوق و عشق و احسان و فداکاری از دل هایی سرچشمه گرفته که نور ایمان حقیق در آنها تابیده و هم جا را به نور خود روشن کرده است.<sup>۴</sup> قرآن کریم ایمان را به درختی پاک تشبیه کرده که در زمین روح آدمی می روید و اعمال نیک و شرافت و کرامت، میوه های شیرینی هستند که بر شاخسار آن می رویند و همگان را در همه حال از ثمرات خود بهره مند می سازند.<sup>۵</sup>

بدین سان شهیدان آرزو می کنند که کاش به دنیا باز می گشتند تا اهل دنیا را از آموزش و کرامتی که نصیب شهید می شود خبر دهند.<sup>۶</sup>

### آثار ترک ایمان و غفلت از یاد خدا

سرنوشت شوم و ناگواری برای کسانی که از یاد خدا غافل شده و ایمان به خدا نمی آورند دارد یکی از آثار شوم ترک ایمان، و غفلت از یاد خدا.

۱- (یس/۲۵)

۲- خانی، رضا؛ حشمت اله ریاضی، ۱۳۷۲، ترجمه بیان السعاده، تهران: دانشگاه پیام نور، ج ۱۲، ص ۱۷۳

۳- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۱۶۴

۴- اصول تربیتی در داستان های قرآن، ص ۶۳

۵- (ابراهیم/۲۴-۲۵)

۶- مترجمان، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۱۱، ص ۱۱۵



## فقدان درک و شناخت صحیح

دانشمندان دستگاه فکری انسان را به آئینه تشبیه کرده اند. آئینه هر چه صاف تر و بی زنگ باشد، اشیاء را به رنگ خود نشان می دهد و اگر تیره و تار و یا به رنگ سبز و سرخ باشد، واقع نما نخواهد بود. ذهن انسان نیز بسان آئینه است با هر چه صاف و پاک باشد، حقایق را آن چنان که هست، نشان می دهد، ولی اگر قبلاً به حَب و بغض، عشق و نفرت یا گرایش های نسجیده مبتلا شود، این صفات روی تشخیص او را اثر می گذارند، چه بس زشت را زیبا یا زیبا را زشت تلقی کند.<sup>۱</sup>

حقیقت این است که انسان در صورتی اصلاح پذیر و قابل هدایت است که فطرت توحیدی خود را با اعمال زشت و اخلاق آلوده اش به کلی پایمال نکرده باشد.

## غرور و تکبر

یکی دیگر از میوه های تلخ درخت ناپاک کفر و بی ایمانی، غرور و تکبر است. کسانی که یاد خدا از لوح ضمیرشان پاک شده است، حجاب منیت صفحه وجودشان را تیره می سازد و اجازه نخواهد داد تا چهره ی حقیقت را آن چنان که باید، نظاره کند و بیماری خودخواهی و خود بزرگی بینی با دیوارهای ضخیمی که بر اطراف روح و اندیشه ی انسان می کشد، او را اسیر خود می سازد و از حرکت باز می دارد.<sup>۲</sup>

این غل و رنجیرها، بندهای باطنی، می باشند که با رسوم غلط، تعصب های بی پایه، تقلید نا بجا و کور کورانه و خرافات و غرور که آدمی را اسیر خود می کنند و چون بندی چنان سر آدمی را بالا نگه می دارد که نمی تواند فطرتش را ببیند و خود را بشناسد و در نتیجه نخواهد توانست خدای خود را هم بشناسد.

## لجاجت و بهانه جویی

یکی از ثمرات ایمان به خدا، تسلیم در برابر حق و پذیرا بودن دستورهای الهی با آغوش باز است. در نقطه ی مقابل، گناهان و جهل و دشمنی با حق، روح پاک و فطرت سلیم انسان را چنان تیره و تار می کند که او را از راه هدایت باز می دارد و چهره ی حق را در نظر انسان به گونه ای دگرگون می سازد که حتی محکم ترین دلایل منطقی و عقلی و روشن ترین دلایل حسی بر دل او اثر نمی گذارد و با تثبیت بهانه ها و عذرهای واهی به افکار خدا و دعوت پیامبران الهی روی می آورد. پیامبران الهی در طول سال های دعوت خود، همواره با انسان های لجوج و بهانه جویی مواجه بودند که هیچ منطق و برهانی یا معجزه ی آشکاری آنها را هدایت نمی کرد.<sup>۳</sup>

سوال: چرا خداوند خود فقرا را رزق نمی دهد و به مردم دستور انفاق می دهد؟! پاسخ: رشد انسان، در سایه ی گذشت و ایثار و سخاوت و نوع دوستی و دلسوزی و صرفه جویی و اُلفت و تعاون و محبت و تفقد است. اگر همه ی مردم از امکانات یکسان برخوردار باشند، نه زمینه ای برای بروز این کلمات باقی می ماند و نه بستری برای صبر و زهد و قناعت محرومان.<sup>۴</sup>

کار انسان به جایی می رسد که کفر و بخل را راه درست و ایمان و انفاق را انحراف می شمرد.

۱- سبحانی، جعفر، بی تا، مشور جاوید، اصفهان: انتشارات کتابخانه عمومی امام امیر المومنین(ع)، ج ۱، ص ۲۱۶

۲- اصول تربیتی در داستان های قرآن، ص ۱۰۷

۳- اصول تربیتی در داستان های قرآن، ص ۱۱۵

۴- تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۰۱





## استهزا و تحقیر اولیای خدا و قوانین الهی

بسیاری از طغیانگران بی ایمان، نه تنها گوش و هوش به ندای رهبران الهی و دستورات حیا بخش آنها نمی دهند، بلکه به استهزای آنها می پردازند.<sup>۱</sup>

و در آیه ای از قرآن کریم می خوانیم: ﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾<sup>۲</sup> [دریغا بر این بندگان هیچ فرستاده‌ای بر آنان نیامد مگر آنکه او را ریشخند می کردند].

تأسف است از حال بندگان که به جای اطاعت از پیامبران، آنها را به مسخره گرفته و خود را در معرض غضب الهی قرار دادند.<sup>۳</sup>

شاید این مسخره کردن سخت ترین گونه کفر، و دور کننده ترین راههای گمراهی، زیرا صاحبش در حالی از بیهودگی و بی اعتنائی به سر می برد و مثالش در این مقام مانند آن است که پزشک بیمار را به داور سفارش دهد و از هلاک بپرهیزاند، آن گاه به جای آن که بیمار از او سپاسگزاری کند و در اجرای دستورهای او شتاب ورزد، بر پزشک بخندد. آیا چنین مردی مستوجب دلسوزی و دریغها نیست؟<sup>۴</sup> لذا نتیجه می گیریم که آنها از رسولان حرف شنوی نداشتند و آنها را به مسخره و تمسخر می گرفتند خداوند غضبش را بر آنها نازل کرد و هیچ پیامبری دیگر به سوی ایشان نیامد زمانی حسرت و افسوس می خوردند که دیگر سودی نداشت، حسرت اینست که حالتی بر انسان از شدت ندامت و پشیمانی عارض شود که نهایی بعد از آن نباشد تا قلب او خسته و فرسوده باقی ماند. و تمامی رسولان الهی مورد تمسخر مردمشان قرار گرفتند و برخورد استهزاگرانه ی مردم با پیامبران الهی، باعث حسرت آور و اندوه بار است و کافران با تمسخر و استهزا از حربه های تبلیغی خود استفاده می نمودند و برخورد استهزا آمیز مردم انطاکیه با پیامبران خود، سبب عذاب و نابودی آنان شد.

## هلاک و فلاکت

قرآن پیوند روشنی میان مسائل معنوی و مادی برقرار می سازد و ارتباط این دو موضوع را در متن جامعه همچون تار و پود پارچه به هم آمیخته می داند و یا همانند ریشه و ساقه درخت با گل و میوه ی آن ربط می دهد. همانگونه که ایمان و عدالت را مایه ی آبادی جوامع می داند، کفر و ظلم و گناه را مایه ی ویرانی و انحطاط جوامع معرفی کرده است.<sup>۵</sup>

## نتیجه گیری

اصول تربیتی در سوره یس در بخش اعتقادی مورد بررسی قرار گرفته است. سوره یک سوره تربیتی است که صفات برجسته و ویژگی های سرنوشت ساز و ارزشمند مردم توحید گرا و با ایمان، در ابعاد مختلف فردی فکری، عقیدتی و اجتماعی و خانوادگی و اخلاقی و انسانی را به تصویر کشیده و از پی آن به این مفاهیم ارزشمند و دگرگون ساز پرداخته است. و همچنین صفات برجسته و ویژگی های سرنوشت ساز انسانهایی که منکر معاد و ایمان به خدا نیامدند که به تصویر می کشد و نشان می دهد. اما باید یاد آور شد که قرآن کریم به طور کل و حتی سوره ای

۱- اصول تربیتی و داستان های قرآن، ص ۱۲۰

۲- (یس/۳۰)

۳- تفسیر احسن الحدیث، ج ۹، ص ۷۶

۴- تفسیر هدایت، ج ۱۱، ص ۱۱۷

۵- اصول تربیتی در داستان های قرآن، ص ۱۳۲



خاص به تنهایی باز هم دریا بی ارزشمند از اصول و روش های زندگی است لیکن دیگر عزیزان باید بر کشف و استخراج آن ها کوشا باشند، چرا که بضاعت و توان و سواد این نوشتار به قدر گنجایش برخوردار از معارف این دریای بیکران را نداشته است و معرفی این اصول و روش ها قطعاً به معنای کامل بودن این تحقیق نخواهد بود.

### پیشنهادها

- ۱- نشر کتاب های گوناگون با موضوعات مربوط به اصول و روش های تربیتی به روش های جذاب با نگاه به آیات قرآن توسط اساتید حوزه و دانشگاه.
- ۲- توجه دادن به مبلغان دینی به بهره گیری بیشتر از منابع و اطلاعات در خصوصی موضوعات روش های تربیتی از منظر قرآن.
- ۳- تشویق و ترغیب دانشجویان به تحقیق درباره بررسی جلوه های تربیتی دیگر سوره های قرآن کریم.
- ۴- تشویق دیگر دانشجویان مبنی بر تحقیق و پژوهش در آیات سوره یس با نگاهی اجتماعی.

### منابع:

- (۱) قرآن کریم (ترجمه فولادوند)
- (۲) ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مصر: مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- (۳) ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ق، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چ ۱.
- (۴) اعرافی، علیرضا و همکاران، ۱۳۷۶، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) چ ۱.
- (۵) اعرافی، علیرضا، ۱۳۸۷، فقه تربیتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- (۶) امینی، ابراهیم، ۱۳۷۲، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- (۷) باقری، خسرو، ۱۳۹۲، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، چ ۳۲.
- (۸) باقری، خسرو، ۱۳۶۸، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: تخلص هیات علمی دانشگاه تهران.
- (۹) خانی، رضا؛ حشمت اله ریاضی، ۱۳۷۲، ترجمه بیان السعاده، تهران: دانشگاه پیام نور.
- (۱۰) داوودی، محمد، ۱۳۸۴، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، تربیت دینی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۷.
- (۱۱) دورکیم، امیل، ۱۳۹۱، تربیت و جامعه شناسی، ترجمه فریدون سرمد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱.
- (۱۲) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، ترجمه مفردات راغب، مترجم: غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی.
- (۱۳) سادات، محمد علی، ۱۳۷۵، اخلاق اسلامی، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چ ۱۷.
- (۱۴) سبحانی، جعفر، بی تا، منشور جاوید، اصفهان: انتشارات کتابخانه عمومی امام امیر المومنین (ع).



- (۱۵) سعید، مهر، محمد، بی تا، آموزش کلام اسلامی، بی جا: بی نا.
- (۱۶) سید قطب، ابراهیم شاذلی، ۱۳۸۱، تفسیر فی ضلال القرآن، ترجمه دکتر مصطفی خرم دل، بی جا، نشر، احسان، چ ۱.
- (۱۷) شکوهی، غلامحسین، ۱۳۷۰، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چ ۱۱.
- (۱۸) طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه، قم، چ ۵.
- (۱۹) طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات فراهانی، .
- (۲۰) طریحی، فخر الدین، محمد، ۱۳۸۶، مجمع البحرين، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۲۱) طیب، ا، عبدالحسین، ۱۳۷۸، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام .
- (۲۲) عبدالباقی، محمد فوائد، ۱۳۸۴، معج المفهرس الفاظ القرآن، قم: ذوالقری، چ ۳.
- (۲۳) قرائتی، محسن، ۱۳۸۷، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چ ۱۴.
- (۲۴) قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۷، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
- (۲۵) قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، محقق سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب.
- (۲۶) کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی (ط اسلامی)، محقق، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد اخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۲۷) مترجمان، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- (۲۸) مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحارالانوار، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.
- (۲۹) محمد قاسمی، حمید، ۱۳۸۹، اصول تربیتی در داستان های قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ( شرکت چاپ و نشر بین المللی)، چ ۱.
- (۳۰) مدرسی، محمد تقی، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش آستان قدس رضوی، چ ۱.
- (۳۱) مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.
- (۳۲) مطهری، مرتضی، بی تا، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، قم: انتشارات صدرا.
- (۳۳) مهدوی، سعید، ۱۳۸۱، نگاهی به قصد و نکات تربیتی آن در قرآن، قم: موسسه بوستان کتاب انتشارات دفتر تبلیغات، چ ۱.
- (۳۴)